

تاریخچه مختصر

رابطه مستقیمی باشتر پوستر داشت، تکنیکهای جدید چاپ میباید. لذا تحولات جدید در کار چاپ و اختراع چاپ افست و سیکاسکرین بیشترین تاثیر را در کار پوستر داشت و آنرا در خدمت تبلیغات اساسی سیاسی، فرهنگی و هنری قرارداد.

از آنجا که کشورهای جهان سوم از جمله ایران بازار مصرفی خوبی برای غارتگران بین المللی به حساب می آمدند همواره زیر پوشش تبلیغاتی وسیع آنها قرار می گرفتند بنابراین پوستر در ایران یک سوغات غریبی باتحولات خاص خودش بوده است. موضوعی را که اساسا باید متذکر شد اینکه این تقلید کورکورانه از کار غرب، نه هویت مستقل هنری خودمان را دارا بود و نه هویت وارداتی فرهنگ سلطه گرا، بلکه یک سری خطوط شکسته، پسته ای از هنر استعمار گران بود که فرهنگ سلطه پذیری، به فرهنگ مصرفی الغاء میکرد و این در حالیکه در ایران کاری مشابه پوستر سازی و گرافیک بصورت نقاشی دیوار کوب لژداستانهای حماسی و مذهبی، به شکل پلاکاردهای بزرگ مرسوم بوده و سابقه آن تا نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی می رسد و نمونه های آنرا در مراسم تعزیه خوانی دوره کردهای خیابانی و همچنین بر دیوار قهوه خانه ها، عتیقه فروشیها و موزه های قدیمی می بینیم.

علیرغم اینکه گرافیک در ایران سابقه دیرینه داشته است، غریبی بودن روش پوستر سازی و تبلیغات گرافیکی (چه به لحاظ شکل و چه به لحاظ محتوای غریبی آن) در ایران میتواند دلائل دیگری هم داشته باشد. اول اینکه: نخستین نوع پوستر در ایران حدود شصت سال قبل توسط برادران «موشخ و ناپلئون سروری» که تازه از ارمنستان به ایران مهاجرت کرده بودند، برای سردرب سینماها ساخته شد. این پوسترها نقاشی های بزرگ رنگ و روغن روی بوم بودند. پس از آن فردی به نام «فردریک تالبرک» که او هم مهاجری سوئدی بود، به تهیه پوستر پرداخت و این جریان توسط دیگران نیز ادامه یافت.

آموزشهای استعماری:

مدارس هنری و دانشگاه های هنری ما را هم عمدتا غریبی ها اداره میکردند. برای مثال در دانشگاه

«پوستر» یک کلمه انگلیسی است که معادل فرانسوی آن «افیش» و به آلمانی «پلاکاره» نامیده میشود. برای این ویژه معادل فارسی بکار نرفته است. امادراین «پوستر» و پلاکاره را اشتباهای برای دومعنی جداگانه بکار میگیرند یعنی اینکه شعارهای پارچه ای را «پلاکاره» نامیده و اعلانات مصور دیواری را «پوستر» میگویند.

«پوستر» یک نوع اعلان دیواری است که، خطاطی، نقاشی، عکاسی، طراحی، سمپلها، علامت و حتی چیدمان اشیا، پرتابلو، عناصر آنرا تشکیل میدهند که در رابطه با آن به ذکر تاریخچه ای گذرا به شرح زیر می پردازیم:

توسعه روز افزون صنعت و تکنولوژی و پدید آمدن کشورهای سرمایه داری بزرگ و امپریالیستی مثل: انگلستان، آلمان، آمریکا و غیره، بازارهای مصرفی را امپلیتد تا کالاهای خود را در این بازارها عرضه کند و به تاراج هر چه بیشتر ذخایر زیرزمینی و سرمایه های مردم منطقه بپردازد. از این رو ماشینهای تبلیغاتی غرب متناسب با رشد صنعت و تکنولوژی بکار افتادند.

به منظور بوجود آوردن چنین بازارهایی نیاز به تبلیغات وسیع برای کالاهای مصرفی و القاء فرهنگ مصرفی بود که در این راه «گرافیک» یکی از ابزارهای قوی تبلیغاتی برای این کشورها به حساب می آمد. چراکه این هنر می توانست انگیزه مصرف یک کالای مورد نظر را به شکل ایده آل در ذهن بیننده القاء کند و لذا میتوان گفت که ابتدا پوستر صرفا یک حربه تبلیغاتی - تجارتي بوده است.

جنگ جهانی دوم کار پوستر سازی را که در خدمت تجارت قرار داشت، به قلمرو سیاست کشانید و از حالت تک بعدی و رکود نسبی که داشت بیرون آورد. برای مثال در آلمان نازی از پوستر برای روی کار آمدن هیتلر استفاده فراوانی نمودند. همچنین در کشورهای نظیر یوگسلاوی و... که در اثر تهاجم نازیهای آلمان مردم به آوارگی و بی پناهی کشیده شده بودند، هزاران پوستر که جبهه متحد مردم را علیه اشغالگران فاشیست نشان میداد، به میان اجماع راه یافت.

مسئله دیگری که در تحول پوستر مؤثر بودند، به وجود آمدن سبکهای جدیدی در هنر از جمله: کوبیسم، آبستره و پاپ آرت است و دیگری که

مدارس و دانشگاه های هنری ما را یا غریبها اداره می کردند و یا استادان ایرانی که در فرنگستان و به شیوه غریبها درس خوانده بودند. حتی اداره کنندگان موزه های هنر معاصر تهران نیز آمریکایی بودند.

تقلید کور کورانه از پوستر سازی غریبی و فرهنگ وارداتی آن در حالی صورت می گرفت که در ایران کاری مشابه آن به صورت نقاشی دیوار کوب، از داستانهای حماسی و مذهبی به شکل پلاکاردهای بزرگ مرسوم بوده است.



گرافیک و پوستر در ایران



✱ از سال ۱۳۵۷ در ایران شاهد تحولی عظیم در تاریخ گرافیک جهان بودیم که پیام شهادت را به رهروان این خط خونین با سابقه ۱۴۰۰ سال، رسانید.

✱ هنر ما نه غربی است و نه شرقی، بلکه ایرانی است و محتوای اسلامی دارد. قالبش را هم باید در همه روستاهای کشور خودمان بازیافت و اشاعه داد.

تاریک و ظلمانی هنر سو، سو میزند و سطح کوچکی از جامعه ما را روشن می نماید. با این شکل که عده ای از هنرمندان متعهد و مردمی، سیاست «هنر برای هنر» را مورد انتقاد قرار داده و هنر را به عنوان بعد خداگونه و فطرت متعالی انسانی، که در خدمت بشر قرار دارد، معرفی می نمایند. همچنین نمایشگاههای گرافیک و پوستر از طرحهای انتقادی و تا حدودی ضد شاهنشاهی برگزار شد و پوسترهایی که حاکی از زندگی مردم محروم بود، یا کاریکاتورهایی که مسائل اجتماعی را مطرح کرده بود، به چشم میخورد. در این مرحله از زمان کار گرافیک و پوستر سازی از رونق بیشتری برخوردار بود و توانست به میان قشر وسیعتری از مردم راه پیدا کند. ولی هنوز قالب های روشنفکرانه و غربی در آن دیده می شد و گرافیک های ما نتوانستند دشمن اصلی را آشکارا افشاء نموده و رژیم ضد خدائی و ضد مردمی شاهنشاهی را نفی کنند. از طرفی رژیم وابسته به امریکا که این حرکت را خطری جدی برای منافع خود و ایرانیانش می دید و سرکوب مطلق و همه جانبه لطفاً ورق بزنید

مواردی از موضوعات پوستر اشاره ای داشته باشیم. جشن هنر شیراز - جشنواره های شاهنشاهی - روزهای ننگین و شوم ۲۸ مرداد، ۴ آبان، ششم بهمن، سوم اسفند، نمایشنامه های روشنفکری، کسرتهای موسیقی، رقصها و باله ها، شرابخورگی ها، آثار و بناهای دوهزار و پانصدساله و همچنین موضوعاتی مثل «فرزند کمتر، زندگی بهتر» با توجه به ذوق، ملاحظه میکنیم که منظور رژیم کافر و امریکایی شاه از نشر این نوع پوسترها، اعمال سیاستهای ضدخدائی و ضد مردمی ابرقوتها و اشاعه فرهنگ منحط شاهنشاهی و همچنین تبلیغ مفاسد و منکرات بوده است.

برای اجرای این مقاصد شوم و حفظ وجهه مر دوستانه خود، مزدوران به اصطلاح هنرمند را نیز به استخدام خود درآورده و پیشرفته ترین وسائل تکنیکی، عکاسی، چاپی و مرغوبترین کاغذهای فرنگی را در اختیارشان قرار میدادند. مهم تر از همه شهبانوی کثیف را رهبر و مشوق این نوع فعالیتها قلمداد میکردند! از سالهای ۱۳۲۹ به بعد، تنها شماره های در...

هنرهای زیبای تهران استاد درس «کمپوزیسیون تزئینی» که طراحی آفیش را نیز تدریس میکرد، یک خانم فرانسوی بود. علاوه بر این اساتید ایرانی هم تحصیل کرده ها و دست پروردگان غرب بودند و روشهای غربی را هر کدام متناسب با روش استادان خود در دانشکده های هنری آمریکا و انگلیس و... (که در آنجا تحصیل کرده بودند) به شاگردان خود تزریق میکردند.

حتی اداره کنندگان موزه های هنرهای معاصر تهران نیز امریکایی بودند.

حال با توجه به اینکه هنر (برخلاف صنعت و علم)، ریشه دارترین نمود فرهنگی هر جامعه میباشد و به آداب و رسوم مردم وابستگی کامل دارد، لذا نمی توان آنرا از فرنگ وارد کرد و بخورد مردم داد. بنابراین اقدامات فوق یک حرکت ضد ارزشی از جانب ابرقوتها بود تا بدینوسیله مردم ما را از خویشترن فرهنگی خود جدا سازند و فرهنگ پوچگرایی سلطه پذیرا بر ملت ما اعمال نمایند. در این رابطه خوبست موضوعاتی را که برایش طراحی می شد، مورد توجه قرار دهیم و برای مثال به

راه شهیدان انقلاب اسلامی که مردم را به صبر و استقامت توصیه میکردند تمام تظاهرات میلیونی توده های مسلمان مومن باین پلاکاردهای رنگین بود و نمایشگاههای پوستر و عکس برای اولین بار از موزه های بالای شهر به مساجد محل راه یافت. بینندگان این نمایشگاهها مردم عادی و مستضعفین بودند که هرگز به نمایشگاهی نرفته بودند و پوستر را نمی شناختند.

این تحول در تاریخ پوستر در ایران باعث حرکتی بعلی گردید و منجر به رشد سریع و همه جانبه ای در هنر گرافیک شد. باید اعلان داشت که

✱ از سالهای ۱۳۴۹ به بعد، تک ستاره هایی در عالم تاریخ و ظلمانی هنر سو، سو می زند و عده ای از هنرمندان متعهد و مردمی، سیاست «هنر برای هنر» را مورد انتقاد قرار می دهند.

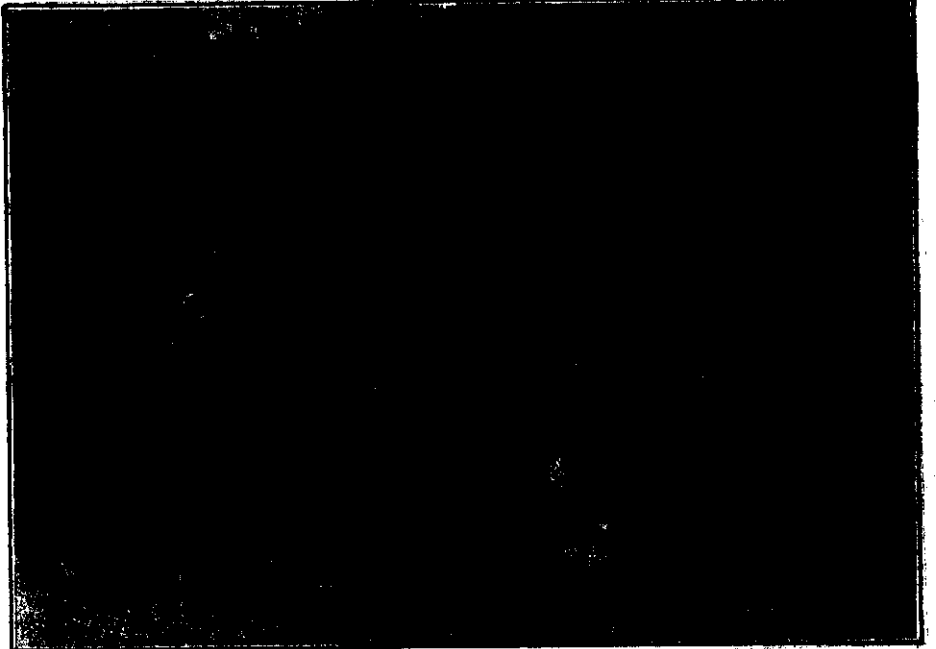
این طرحها از جاذبیتی برخوردار بود که نه تنها از احساس و اندیشه هنرمندان چنان برکف سرچشمه گرفته بود، بلکه از پوست و گوشت و خون آنها مایه داشت و علیرغم اینکه بسیاری از اصول گرافیکی و آکادمیکی هنر را زیر پا نهاده بود، در عین حال بزرگترین رسالت هنری پوستر و گرافیک را بصورت زنده و گویا برای توده های مستضعف مطرح ساخته بود و پیام شهادت را به رهروان این خط خونین که سابقه یکپهزار و چهار صد ساله دارد، رسانید.

آری این خود یک انقلاب بود. یک انقلاب هنری و پیامش به توده های مستضعف مسلمان این بود که: «هنر ما نه غربی است و نه شرقی، بلکه ایرانیست و محتوای اسلامی دارد. قالبش را هم باید در همه روستاهای کشور خودمان بازیافت و اشاعه داد و به خویشتر فرهنگی خودمان بازگشت».

پیام دیگری که به همه هنرمندان مزدور این بود که: «هان، ای کسانی که خود را پیشتر از انقلابی و آگاه مردمی میدانستید و در پیشاپیش هر نهضت به اصطلاح مترقی مایه گرفته از غرب یا شرق می دیدید و لژی برای آن به مردم فخر می فروختید: «کلاسوف تعلمون، ثم کلاسوف تعلمون»

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته (۱) یکی از رسالتهای اصیل هنرمند و روشنفکر متعهد و مردمی که او را از سایر مردم عادی متمایز میسازد، دوراندیشی او نسبت به تحولات اجتماعی است و همواره باید به عنوان عنصر پیشتر از جامعه، انقلابات اجتماعی را هدایت کند. این شعار دهن پرکی برای هنرمندان ما شده بود و آنرا چماقی کرده بودند بر سر ملت اما «انقلاب اسلامی ایران» نشان داد که این توده های مستضعف مسلمان بودند که همه اقشار مردم را بدنبال خود می کشانیدند و رهنمودهای امام خویش را پیروی میکردند. «والسلام»

جهاد



مطالعه قرار دهیم، دوجریان را از هم تمیز خواهیم داد: یک جریان نوعی از هنر را مطرح میساخت که هم از نظر تکنیک و هم از نظر محتوا غربی بود. این نوع هنر همان هنر واقع گریز و مومیائی شده است. یعنی «سبک هنری خاص» یا «سبک هنری مستکبرین» جریان دیگری که گهگاه نشو و نما میکرد، نوعی از هنر را عرضه مینمود که از نظر تکنیک ابتدائی و غیر آکادمیک اما از نظر محتوی بسیار غنی و ریشه دار بود، که این نوع هنر همان هنر واقع گرا و حقیقت جوی پویاست که از فطرت پاک انسانی برمی خیزد. یعنی «سبک هنری عوام» یا «سبک هنری مستضعفین». در سال ۱۳۵۷ برای اولین بار در تاریخ گرافیک جهان حرکتی عظیم را

فعالتهای فرهنگی و هنری را به صلاح خود نمی دانست، طبق دستور شیطان بزرگ سیاست فضای باز محدود! را در پیش گرفت و از طرفی مزدوران به اصطلاح هنرمند و غرب زده خود را به مراکز فرهنگی - هنری از جمله دانشگاهها گسیل داشت تا فعالتهای فوق برنامه و علوم به اصطلاح انسانی را در جهت منافع مورد نظر خود فعال نماید.

ولی با توجه به ماهیت عنکبوتی و شیطانی اش هرگونه حرکت هنری صحیح را بشدت سرکوب میکرد.

برای مثال نمایشگاهی در سال ۱۳۵۰ در دانشگاه صنعتی شریف (از بامهر سابق) توسط جمعی از دانشجویان این دانشگاه برگزار شده بود که تابلوهای

✱ هنر «گرافیک» که می توانست انگیزه مصرف یک کالای مورد نظر را به شکل

ایده آل در ذهن بیننده القاء کند، در ابتدا صرفاً یک حربۀ تبلیغاتی - تجارتنی بوده است.

در ایران دیدیم که مثل دیگر ابعاد «انقلاب اسلامی» ما منحصر به خود بود. این پدیده هنری و گرافیکی شامل دیوار نوشته ها، پوسترها، اعلاناتها و پلاکاردهای بزرگ رنگی بود که عناصر اصلی آنرا: خون، گل، گلوله، نقش پنجه های خونین، خط نوشته های باخون، کلیشه های عکس امام و دیگر شخصیتهای مذهبی و... تشکیل میدادند.

محتوا و پیام آنها از یک طرف افشاگری رژیم شاهنشاهی و رسوا کردن شیطان بزرگ (آمریکا) و ایادی ساواکیش در ایران بود و از طرف دیگر رهنمودهای امام خمینی برای متحد ساختن امت مسلمانان و مبارزه یکپارچه علیه طاغوت و نشان دادن

این نمایشگاه گوشه ای از زندگی مشقت بار مردم میهن ما را نشان می داد. این نمایشگاه پس از بازدید شاه معصوم (که او را خشمگین کرده بود)، پرچیده و یکی از طراحان آن به زندان افکنده شد.

در سال ۱۳۵۴ این حرکت اصیل هنری موقت فروکشید چرا که هنرمندان متعهد و مردمی برای مبارزه با رژیم شاهنشاهی ترجیح میدادند از روشهای دیگری غیر از آنچه گذشت در مبارزه با استعمار بهره بگیرند.

آنچه گذشت مختصری از تحول پوستر سازی در ایران قبل از انقلاب اسلامی را بیان داشت. چنانچه این تحولات را از دیدگاه جامعه شناسی هر مورد